

روزنه

بی‌رحمی حتی در حق پیکری جان



مصطفی فقیهی

● شگفتا که به پیکر بی‌جان آیت‌الله هاشمی نیز رحم نمی‌کنند! سعید قاسمی را می‌گوییم؛ فردی که زیر قولش زد وریش هایش را نتراشید! وقتی سالیانی قبل در ماجرای صدور حکم برای قانزه هاشمی، در جمع دانشجویان دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد گفته بود: «اگر این خانم [افاتزه هاشمی] نصف روز زندان رفت، من ریشم را می‌تراشیم!».

او به‌تازگی در سخنانی تکان‌دهنده که بخش‌هایی از آن قابل نشر نیست، گفته است:

«سیاست اصلاح طلبان پدربزرگی داشت که قسمت است دیگر... گفته‌اند خدایا زیر تریلی بروم در این مسیر در این جاده‌ها صاف بشوم؛ اما این‌جور نشود که ۲۰۰ بابدیگارد داشته باشم. یک ماشین آمبولانس یا چهارتا، پنج‌تا دکتر ویژه که ضربان قلبم رفت بالا، آمد پایین، بدون. یک بیمارستان حضرت امامی که چهارتا خانه با خانه من فاصله داشته باشد و آن کادر بیمارستان ناراحت‌اند؛ می‌گویند هر هفته که این خانواده می‌آیند آنجا چکاپ نهایی می‌شوند، آمرانه برخورد می‌کنند؛ مثل ارباب رعیت.

این را هم داشته باشید. یک‌دفعه آخر کاری…».

همان‌طور که می‌بینید، مشت‌ی واژه‌های هضم‌نشده! گوینده اما، چندان که مسبوق به سابقه است، هیچ خط قرمز شرعی و اخلاقی‌ای در برابر دشمنانش ندارد، چنان از ماجرای فوت آیت‌الله هاشمی سخن بر زبان می‌آورد که بعید است مشابهش در تاریخ معاصر و حتی پیش از آن، سابقه داشته باشد و چه شربین که انسانی مانند او، چنان در خیال خامش خود را مقید به شرع و دین می‌پندارد که آرزو می‌کند در هیئت ابا‌عبدالله بمیرد!

دراین‌باره کوتاه عرض کنم:

اول آنکه او روایت را سراسر دغل‌کارانه نقل می‌کند. کسانی که پیکر بی‌جان آیت‌الله را لحظاتی پس از مرگ دیده‌اند، همه آنان به اتفاق، از چهره خندان و نورانی‌ترشده آیت‌الله سخن می‌گویند. گویی هاشمی نیز از رفتنش رضایت تام و تمام داشته است... اما جای سؤال از این فرد باقی است که تا چه حد دچار باد دماغ و کیش شخصیت شده که خود را فراتر از شرع و آداب اسلامی – ایرانی و اصول اخلاقی مورد تأکید رهبری معظم انقلاب پنداشته‌که به سادگی آب‌خوردن، دست‌به‌کار ساخت و پرداخت «تسلسل» دروغ و «دور» باطل، خبر دروغ و تحلیل بر پایه دروغ شود؟ بحق گفت آیت‌الله جوادی‌آملی که «هاشمی چه در حیات و چه در ممات، مظلوم است». ثابثا شرع مقدس و همین‌طور اخلاق ایرانی از دیربار، احترامی ویژه برای مردگان قائل است. «حرمة الميت حرمة‌الحي». حتی اسلام در برابر غیرمسلمانان نیز توصیه به آداب اسلامی – انسانی می‌کند و دایره احترام به آنها نیز همه انسان‌ها را دربر می‌گیرد. از جای بر خراستن و احترام پیامبر اسلام (ص) هنگام عبور دادن جنازه یک فرد یهودی دلیل این سخن است. سخت و شاید محال است توقع رعایت آداب ناب اسلامی از چنین فردی که به واسطه حرف‌های نامربوط به افراد و برخی نیروهای انقلاب و طرح ادعاهای ناپسند و غیرمستند، نامی برای خود دست‌وپا کرده است. بی‌شک هوای‌های نفسانی باعث شده فراموش کنند یا تمایلی ندارند به یاد آوردن که پیامبر، مظهر اخلاق و ادب بود.

قرآن در برخی آیات، تعدی‌کنندگان را ستمگر می‌خواند و می‌فرماید: *فَمَنْ أَغْتَدَىٰ بِقَدِّ ذَلِك قَلَهٗ عَذَابُ الیم*: پس از این، هر که تعدی کند، عذابی دردناک در پیش خواهد داشت. اما نکته اساسی این است که این‌همه و هتاک‌های بی‌سابقه (که حتی پس از شهادت بهشتی متوقف شد)، اینک حکایت از آن دارد که هاشمی، این یار امام و رهبر معظم انقلاب، زنده‌تر از سابق، جاوید است و تاریخ‌ساز، کمتر از ۲۰ روز از فوت هاشمی می‌گذرد و او مانند دوران حیات، آماج حمله و تیرهای غیبی است. آیا جز این است که حیات هاشمی مداوم دارد و همچنان خار چشم بدخواهان است؟

خبر

ابقای سیدحسن خمینی وجاسبی در هیئت‌امنای دانشگاه آزاد

● **تس‌نیم:** در پی انتصاب علی‌اکبر ولایتی به‌عنوان رئیس هیئت مؤسس دانشگاه آزاد از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، اولین جلسه هیئت مؤسس در دوره جدید هفته گذشته برگزار شد. در این جلسه، صلاحیت علی‌اکبر ولایتی، حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی و عبدالله جاسبی به‌عنوان نمایندگان هیئت مؤسس دانشگاه آزاد در هیئت امنا تأیید شد و این سه عضو رسماً برای یک دوره عضو هیئت‌امنای دانشگاه آزاد شدند. عبدالله جاسبی عضو هیئت مؤسس دانشگاه آزاد ضمن تأیید این خبر، گفت: بنده و آقای سیدحسن خمینی عضو هیئت‌امنا بودیم و دکتر ولایتی هم اضافه شدند. بنده و آقای سیدحسن خمینی در این جلسه مجدداً به‌عنوان نمایندگان هیئت مؤسس دانشگاه آزاد در هیئت‌امنا تأیید شدیم.

شرق: اسفند پیش‌رو، درحالی ششمین دوره مجمع تشخیص مصلحت نظام به پایان می‌رسد که این نهاد حاکمیتی انتظار رئیس جدید خود را می‌کشد. اگرچه هنوز مشخص نیست او کیست و چه زمانی از سوی مقام معظم رهبری منصوب می‌شود؛ اما این احتمال وجود دارد که زمان انتصاب رئیس و اعضای جدید یکی شود.

پیش‌بینی می‌شود مجمع تشخیص مصلحت نظام تا اسفند و به‌جز جلسات کارشناسی و کمیسیون‌ها، جلسات دوهفته یک‌بار شنبه‌ها که دستور کارش تصویب قوانین و سیاست‌های کلی با حضور اعضای حقیقی و حقوقی بود، دچار تعلیق و تعویق شود؛ اتفاقی که برای نخستین‌بار از زمان تولدش، رخ می‌دهد.

محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، روز گذشته در حاشیه کمیسیون نظارت مجمع، با اشاره به اینکه جلسات صحن مجمع تشخیص مصلحت نظام تا مشخص‌شدن ریاست جدید مجمع از سوی مقام معظم رهبری تشکیل نمی‌شود، گفت: «مجمع تشخیص مصلحت نظام دستگاهی مستشاری است و تعیین ریاست آن از اختیارات مقام معظم رهبری است و ما منتظر اعلام ایشان هستیم».

تاریخچه یک نهاد

در اوایل انقلاب و بروز اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، برای تصویب مصوبات مجلس و لزوم تطابق آنها با شرع اسلام، هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان ریاست وقت مجلس شورای اسلامی، در پنجم مهر ۱۳۶۰ در نامه‌ای از امام درخواست کرد راه‌حلی ارائه دهند. امام در نامه‌ای به مجلس اجازه داد تا موارد مصلحتی را با اکثریت اعضای نمایندگان و قید موقت، به تصویب برسانند. با وقوع اختلافات بیشتر دراین‌زمینه و باقی‌بودن مشکلات، سرانجام پس از مکاتباتی بین مقامات عالی‌رتبه و ذی‌ربط وقت کشور، درخواستی در بهمن ۱۳۶۲ به امضای رئیس‌جمهور وقت، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، رئیس وقت دیوان عالی کشور، نخست‌وزیر وقت و سیداحمد خمینی به امام خمینی برای چاره‌جویی دراین‌باره ارسال شد. در نهایت، امام در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۶۶ با صدور فرمانی، مجمع تشخیص مصلحت نظام را برای رسیدگی به این قبیل امور تأسیس کرد. ترکیب حقیقی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام در این شش‌دوره‌ای که از ایجاد این نهاد می‌گذرد، دستخوش تغییرات زیادی شده است. در هر دوره، به اعضای حقیقی مجمع تشخیص اضافه شده است؛ همان افرادی که در جلسات دوهفته یک‌بار شنبه‌ها باید به مصوبات و سیاست‌هایی که در دستور کار قرار می‌گیرد، رأی دهند. ترکیب اعضای مجمع در نخستین دوره شکل‌گیری در سال ۶۶، عبارت بود از: آقایان آیت‌الله خامنه‌ای (رئیس‌جمهور وقت)، هاشمی‌رفسنجانی (رئیس مجلس وقت)، موسوی‌اردبیلی (رئیس شورای عالی قضائی)، توسلی، موسوی‌خوینی‌ها، میرحسین موسوی (نخست‌وزیر وقت). و مرحوم حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی (فرزند حضرت امام) برای ارائه گزارش جلسات به حضرت امام. آن زمان تا پیش از بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸، مجمع تشخیص مصلحت نظام یک نهاد با تشکیلات ثابت اداری سازمانی نبود. این مجمع که در آغاز تأسیس، صرفاً در زمان تشخیص مصلحت در

سیاست

نگاهی به پیشینه یک نهاد مستشاری

نظام چگونه به «تشخیص مصلحت» رسید



موارد اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان تأسیس شده بود، سال ۶۸ و بعد از بازنگری قانون اساسی، وظایف اگانه‌ای مستند به اصول ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰ و ۱۷۷ قانون اساسی برعهده گرفت. مجمع تشخیص مصلحت نظام بعد از بازنگری قانون اساسی متشکل از دو دسته افراد حقیقی و حقوقی شد که برای یک دوره پنج‌ساله براساس حکم مقام معظم رهبری انتخاب می‌شوند.

دور دوم

ترکیب اعضای مجمع در دوره دوم براساس حکم مقام معظم رهبری، به این صورت تعیین شد: فقهای شورای نگهبان، رؤسای سه قوه، وزیر مربوط (وزیری که موضوع مورد بحث مجمع مربوط به وی می‌شود)، رئیس کمیسیون مربوط در مجلس شورای اسلامی (درصورتی‌که موضوع بحث در مجمع مربوط به وی شود)، اشخاص حقیقی منصوب‌شده هم عبارت بودند از: مهدوی‌کنی، یوسف صانعی، سیداحمد خمینی، سید محمد موسوی‌خوینی‌ها، محمدعلی موحدی‌کرمانی، حسن صانعی، محمدرضا توسلی، عبدالله نوری و میرحسین موسوی. دوره سوم مجمع با افزایش اعضای حقیقی و تحول در ساختار مجمع تشخیص مصلحت نظام همراه بود که در سال ۱۳۷۵ مجمع را وارد دوران جدیدی کرد. ترکیب اعضای مجمع در دوره سوم براساس حکم ۷۵/۱۲/۲۷، به این شرح بود: شخصیت‌های حقوقی عضو شامل: رؤسای سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه، فقهای شورای نگهبان و وزیر یا رئیس دستگاهی‌که موضوع محل بحث در مجمع، مربوط به آن می‌شود. اعضای حقیقی هم شامل: آقایان هاشمی‌رفسنجانی، مهدوی‌کنی، امینی‌نجف‌آبادی، واعظ‌طیسی، احمد جنتی، امامی‌کاشانی، حسن حبیبی، میرحسین موسوی، ولایتی، محمدری‌شهری، حسن صانعی، حسن روحانی، موسوی‌خوینی‌ها، عسکراولادی، دری نجف‌آبادی، علی لاریجانی، مصطفی میرسلیم، توسلی محلاتی، عبدالله نوری، مرتضی نبوی، فیروزآبادی، غلامرضا آقازاده، بیژن نامداززنگنه، محمد هاشمی، محسن نوربخش و محسن رضایی بودند. محسن رضایی در آن سال به‌عنوان دبیر شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام هم انتخاب شده بود. این افراد برای یک دوره پنج‌ساله انتخاب می‌شدند و هاشمی‌رفسنجانی نیز ازسوی مقام معظم رهبری به‌عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت منصوب‌شد.

دور چهارم
دوره چهارم در سال ۱۳۸۰ با حکم مقام معظم رهبری برای مدت پنج سال انتخاب شدند. در حکم مقام معظم رهبری آمده بود: «این‌جانب در پایان دوره پنج‌ساله از زحمات همه اعضای محترم و دبیرخانه، به‌ویژه از حسن مدیریت ریاست محترم آن مجمع، تشکر می‌کنم و ترکیب جدید را برای یک دوره پنج‌ساله دیگر به ریاست جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای هاشمی‌رفسنجانی معرفی می‌نمایم».

شخصیت‌های حقیقی عضو، در آن دوره عبارت بودند از: هاشمی‌رفسنجانی، امینی نجف‌آبادی، واعظ طبسی، احمد جنتی، امامی‌کاشانی، موحدی‌کرمانی، حسن حبیبی، میرحسین موسوی، علی‌اکبر ولایتی، محمدی ری‌شهری، حاج‌شیخ حسن صانعی، حسن روحانی، حبیب‌الله عسکراولادی، دری نجف‌آبادی، علی لاریجانی، مصطفی میرسلیم، توسلی‌محلاتی، مرتضی نبوی، فیروزآبادی، غلامرضا آقازاده، بیژن نامداززنگنه، محمد هاشمی، محسن رضایی، علی‌اکبر ناطق‌نوری، محمدرضا عارف، غلامعلی حدادعادل، مجید انصاری، حسین مظفر، محمدرضا باهنر و محمدجواد ابروایی.

در حکم مقام معظم رهبری برای انتصاب افراد دور چهارم آمده بود: «جلسات مجمع در هنگام بحث در مصوبات مورد تعارض مجلس و شورای نگهبان، متشکل خواهد بود از همه اعضای نامبرده و دیگر جلسات، متشکل خواهد بود، از اعضای حقیقی به اضافه ردیف «الف» و «ج» و «د» از بند ۱».

دور پنجم

اسفندماه ۸۵ مقام معظم رهبری طی حکمی نوشتند: «اکنون برای دوره پنج‌ساله جدید شخصیت‌های حقوقی و حقیقی نامبرده در زیر را با ریاست جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای هاشمی‌رفسنجانی تعیین می‌کنم: «رؤسای محترم سه قوه، فقهای معزز شورای نگهبان، وزیر یا رئیس دستگاهی که موضوع مورد بحث، به آن دستگاه مربوط است، رئیس کمیسیون متناسب با موضوع بحث از مجلس شورای اسلامی – حجج‌اسلام و آیات و حضرات: آقایان هاشمی‌رفسنجانی، احمد جنتی، واعظ طبسی، امینی نجف‌آبادی، غلامعلی حدادعادل، امامی‌کاشانی، موحدی‌کرمانی، میرحسین موسوی، علی‌اکبر ولایتی، دری‌نجف‌آبادی، محمد ری‌شهری، حاج‌شیخ حسن صانعی، حسن روحانی، حبیب‌الله عسکراولادی، علی لاریجانی، محمدرضا

باهنر، مجید انصاری، سیدمصطفی میرسلیم، توسلی محلاتی، سیدمرتضی نبوی، علی‌اکبر ناطق‌نوری، سیدحسن فیروزآبادی، غلامرضا آقازاده، بیژن نامداززنگنه، محسن رضایی، حسین مظفر، محمد هاشمی، محمدرضا عارف، محمدجواد ابروایی، پرویز داودی، غلامحسین محسنی‌از‌های، علی آقا محمدی، محمد فروزنده و داود دانش جعفری». دوره پنجم مجمع از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ اسفند ۱۳۹۰ فعال بود. چالش اساسی که از این دوره، مجمع با آن مواجه بود، حضورنایافتن محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور بود که در قریب‌به‌اتفاق تمام جلسات غایب بود. او تنها در دو یا سه جلسه مجمع حضور پیدا کرد. غلامحسین الهام از نزدیکان احمدی‌نژاد که به ابوالمشاغل دولت نهم و دهم معروف شده بود درباره مجمع تشخیص مصلحت گفته بود: «معلوم است که مجمع کارایی خود را از دست داده است. شاید اینگونه تلقی شود که این عدم کارایی به دلیل نسبت مجمع با دولت و رفتارهای تند و کینه‌ورانه آن به دولت است و دولت که عوض شود، این کارایی‌ها برمی‌گردد و رفتارها تغییر می‌کنند. مشکلات مجمع از زمان ریاست هاشمی بر آن آغاز شد و اینکه فردی به جز رئیس‌جمهور وقت رئیس آن شد. امام لاقه‌مند بودند اختیارات مجمع را به شورای نگهبان بدهند».

دور ششم

شخصیت‌های حقیقی دوره ششم که اسفندماه ۹۰ سوی رهبری منصوب شدند عبارت بودند از: هاشمی‌رفسنجانی، احمد جنتی، واعظ طبسی، امینی نجف‌آبادی، سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی، موحدی‌کرمانی، علی‌اکبر ناطق‌نوری، حسن صانعی، حسن روحانی، قربانعلی دری‌نجف‌آبادی، غلامحسین محسنی‌از‌های، محمود محمدی‌عراقی، غلامرضا مصباحی‌مقدم، مجید انصاری و غلامرضا آقازاده، علی آقا محمدی، محمدجواد ابروایی، محمدرضا باهنر، غلامعلی حدادعادل، حسن حبیبی، داود دانش جعفری، پرویز داودی، محسن رضایی، محمدحسین صفارهرندی، محمدرضا عارف، محمد فروزنده، سیدحسن فیروزآبادی، علی لاریجانی، حسین مظفر، حسین محمدی، سیدمصطفی میرسلیم، سیدمرتضی نبوی، علی‌اکبر ولایتی، صادق واعظ‌زاده و احمد وحیدی.

همچنین محمد امامی‌کاشانی، محمد محمدری‌شهری، میرحسین موسوی، محمد هاشمی و بیژن نامداززنگنه هم که در ترکیب دور پنجم حضور داشتند، در دور ششم مجمع دیگر عضو نبودند. به نظر می‌رسد که مجمع تشخیص مصلحت نظام پویاترین دوره فعالیت خود را در آخرین سال‌های حیات هاشمی و ریاستش بر این نهاد پشت‌سر گذاشته است. سیاست‌های کلی انتخابات و سیاست‌های کلی نظام در این دوره در مجمع تصویب و از سوی رهبری ابلاغ شد.

دوره ششم مجمع تشخیص مصلحت نظام درحالی اسفندماه به پایان می‌رسد که چهار نفر از اعضای حقیقی عضو فوت کرده‌اند و دو نفر عضو جدید به آن اضافه شده است. هاشمی‌فسنجانی و واعظ‌طیسی سال ۹۵، حسن حبیبی سال ۹۱ و حبیب‌الله عسکراولادی سال ۹۲، فوت شدند. در مردادماه و شهریورماه ۹۲ هم به‌ترتیب محمود احمدی‌نژاد و سعید جلیلی از سوی رهبری به عنوان عضو حقیقی مجمع منصوب شدند.

ادامه از صفحه ۶		
وداع با اسلحه		
شد. ولی خب استخوان لای زخم باقی ماند! بعد مسئله به همین صورت باقی ماند تا اینکه آقای باهنر از شورای انقلاب آمد و کمیته را منحل کرد؛ چون هدف ما هم همین بود. - من داشتم صبحانه می‌خوردم که محمد منتظری زنگ زد و گفت یاسرغرفات آمده، شما بیایید. من که رفتم یاسرغرفات دوید آمد تا دم در، من را بغل کرد و بوسید و احوال‌پرسی. بعد وقتی که نشستم، در گوشش گفتم از امام موسی صدر خبر داری؟ گفت کُتُلُوا به زبان محلی یعنی «قتلوه». گفتم کجا؟ گفت همان‌جا در لیبی! - طبیعتاً مخالف اشغال سفارت بودم. مجلس هفت نفر را تعیین کرد که مسئله گروگان‌های آمریکایی را حل کنند. ما جمع شدیم. حاج آقا احمد خمینی هم از طرف بیت یا از طرف خود امام آمد و در جلسات شرکت کرد. البته با چهار شرط که من با آنها مخالفت کردم که شروط یادم نیست؛ از جمله این بود که پول‌ها را پس بدهند. - من به حاج احمدآقا گفتم که ما دولت هستیم. ما گروگان‌گیر نیستیم، ما مدعی هستیم، یک عده دانشجو آمدند این کار را کردند و حالا هم که مدتی از این گذشته و به خُنس خورده این را سپردند دست مجلس که مجلس یک راه‌حلی ارائه بدهد. ما باید سیاست آمریکا را محکوم بکنیم و اینها را هم محترمانه آزاد بکنیم و هیچ شرطی هم قائل نشویم! اگر شرطی قائل بشویم برای آزادی، ما تبدیل می‌شویم به گروگان‌گیر و این برخلاف تمام سیاست‌های دیپلماتیک و تمام قراردادهاست؛ حاج احمدآقا گفت تو این را از کجا می‌دانی که این برخلاف همه قراردادهای ژنو و از این حرف‌هاست؟ من از دهانم درآمد گفتمم که حاج‌آقا احمد این را همه می‌دانند شما نمی‌دانید! حاج‌آقا احمد با من قهر کرد! یک سالی طول کشید تا با هم آشتی کردیم. - من در کمیسیون دفاع بودم. حضرت آقای خامنه‌ای، رئیس کمیسیون بودند و مؤثر در سرنوشت کشور می‌دانیم و دوم بودم. ما به آقای خامنه‌ای که رئیس کمیسیون بودند، گزارش می‌دادیم راجع به آمادگی ارتش عراق و تجهیزاتی که آورده. ما گفتیم عراق به‌زودی به ما حمله خواهد کرد. بعد آقای خامنه‌ای می‌گفت یعنی چی؟ یعنی شما‌ها می‌گویید ما پیش‌دستی بکنیم و ما اول حمله بکنیم؟! این درست نیست که ما متجاوز شناخته بشویم.		
آنها آقای طاهری است که گفت با ماست و یکی هم آقای خادمی است که او خودش آدم خوبی است ولی اطرافیانش با ما نیستند؛ و به من گفت که شما در جهت وحدت حرکت بکن و این میلیون و مصدقی‌ها را هم در تشکیلات راه نده! این را گفت؛ گفتم چشم. خب توصیه امام را من انجام می‌دادم؛ در جهت وحدت حرکت می‌کردم. ولی کمیته‌ای‌ها وابسته به اطرافیان آقای خادمی بودند و سیاه وابسته به اطرافیان آقای طاهری. سیاه تازه تشکیل شده بود. من هم رفتم بودم کمک می‌کردم سیاه تشکیل بشود و به‌هرحال در محله قه‌دریجان، بین سیاه و کمیته جنگ می‌شود و یک سپاهی کشته می‌شود؛ا من با نیرو به طرف قه‌دریجان حرکت می‌کنم که قائله را بخوابانم. دیدم صدای تیر می‌آید. بعد گفتم حالا ما بیخودی اینجا کشته نشویم! گفتم ماشین‌ها یک قلعه‌ای درست بکنند. فرش کردیم، همان‌جا نشستیم. گفتم حالا طرفین دعوا را بباورید من بازجویی کنم. بازجویی کردم. کمیته‌ای‌ها مدعی بودند این سپاهی که کشته شده است ماشینش به چراغ تیر برق خورده و کشته شده؛ بعد من گفتم حالا من بررسی می‌کنم. گفتم که سلاح‌ها را کمیته تحویل ژاندارمری بدهد؛ چون نیروی ژاندارمری هم با من بود. بعد خودم رفتم و برگشتم.		
یعنی با این ترتیب زدوخورد ایستاد! خودم برگشتم.		
آقای بهشتی به من گفت می‌توانی کمیته‌ها را منحل بکنی؟ گفتم: بله. خب من یک اعلامیه دادم که کمیته‌ای‌ها سلاح‌ها را تحویل بدهند. کمیته‌ای‌ها سترگ‌نرندی کردند و نمی‌خواستند تحویل بدهند. بعد ما شورا تشکیل داده بودیم در خانه‌مان. آقای رحیم صفوی، فرمانده عملیات و آقای سالک فرمانده سیاه، و آقای صیادشیرازی هم بود. من گفتم می‌شود با نارنجک حمله کرد و اینها را خلع سلاح بکنیم! آقای شیخ حسن صانعی زنگ زد به من. گفت از طرف امام زنگ می‌یزم، امام زنگ است ضمن اینکه شما را تأیید می‌کند. ولی می‌گوید ممکن است صد نفر کشته بشوند، شما برای خلع سلاح کمیته‌ای‌ها اقدامی نکنید. گفتم باشه چشم بعد رو کردم به سالک و به رحیم صفوی گفتم دستور کتبی می‌دهم شما رسید کتبی من را ببینید که اگر کسی کشته شد تقصیر شماست دستور کتبی دادم مبنی بر توقف هرگونه عملیات نظامی علیه کمیته. آنها هم همان‌جا به من رسید دادند. مسئله تمام		

نگاه

هاشم‌زاده‌هریسی:

کسانی که پشت‌سر از دنیارفتگان بدگویی کنند عقده‌ای اند

● **عصر ایران:** آیت‌الله هاشم‌زاده‌هریسی، عضو مجلس خبرگان، در رابطه با حملات به آیت‌الله هاشمی پس از درگذشت او، گفت: «کسانی که پشت‌سر از دنیارفتگان بدگویی می‌کنند، به آداب و سنن اسلامی اعتقادی ندارند. اینها اهل عقده‌اند، عقده‌ای هستند و عقده‌های خود را با بدگویی می‌گشایند، اما هرچقدر هم که بد بگویند، یقین بدانند به زبان خودشان است. کسی که چشم از جهان بسته، دیگر در این دنیا نیست که ضرری ببیند و ضرری به کسانی که دوستش دارند هم نخواهد رسید».

نماینده دوره‌های سوم و پنجم مجلس شورای اسلامی ادامه داد: «من این‌گونه مسائل را اساساً پیگیری نمی‌کنم، نه صلاح می‌دانم و نه گوش‌دادن به این حرف‌ها را شرعی می‌دانم. به همین دلیل که پیگیری نمی‌کنم، طبیعتاً اطلاعی هم ندارم که چه کسی و در کجا علیه آقای هاشمی صحبت کرده است، اما به‌طورکلی این عده از افرادی که پس از فوت یک نفر بدگویی می‌کنند، بدانند که این کارها خلاف شرع و اخلاق است». نماینده آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان رهبری افزود: «نه‌تنها در رابطه با آقای هاشمی، بلکه در رابطه با هر کسی که از دنیا رفته است، رسول خداوند (ص) در روایات زیادی تأکید کرده‌اند: «هرکسی از دنیا رفت با خبر از او یاد کنید، آنها را با بدی ذکر نکنید».



این سفارش صریح اسلام است که «مردگان خود را با خیر و با نیکویی ذکر کنید». ما در قبرستان برای همه مردگان سلام می‌دهیم، «السلام علیک یا اهل القبور» می‌خوانیم و دعا می‌کنیم که خدایا بر اهل قبور شادی نازل کن. این برای همه مردگان است، نه مردگانی که آدم‌های خوبی هستند. این آداب اسلامی، روش و سنت رسول خداست». هاشم‌زاده‌هریسی با تأکید بر اینکه «گروه بدگویان خسارت را به جناح و گروه خودشان وارد می‌کنند، بیان کرد: «اینها خیر و منفعت خودشان را نمی‌دانند. اگر آقای هاشمی این‌قدر مورد بی‌مهری قرار نمی‌گرفت و این‌قدر مظلوم از دنیا نمی‌رفت این تشییع جنازه عظیم برای ایشان اتفاق نمی‌افتاد و این‌همه مردم در مراسم ایشان حضور پیدا نمی‌کردند».

این استاد حوزه افزود: «وقتی آقای هاشمی از دنیا رفت، مسئولیت خاصی نداشت، قدرتی نداشت که حتی از خانواده خودش هم دفاع کند. بنابراین مرحوم هاشمی نه برای مقام و موقعیتش و نه هیچ عنوانی نزد مردم باعزت شد. همه احترامات تنها برای شخصیت خودش بود؛ همین شخصیتی که بارها مورد تهمت و بدگویی واقع شده بود و مظلومیش تأثیرگذار شد». این عضو مجلس خبرگان اظهار کرد: «شکستن شخصیت‌های بین‌المللی انقلاب باعث خسران نظام جمهوری اسلامی است. اینها که هیچ پایبندی‌ای به اسلام و رسول‌الله ندارند، حرف‌هایشان هم بی‌حساب‌و‌کتاب و بی‌ارزش است. هرچه می‌خواهند، بگویند».

هاشم‌زاده‌هریسی در پایان با اشاره دوباره به

اینکه «من نشنیدم که چه کسانی گفته‌اند و این حرف من راجع به شخص خاصی نیست» گفت: «یکی از علما حرف خوبی می‌زد که «بعد از اینکه حضرت امام از دنیا رفت، صدام با آن همه رذالت، قساوت و طغیانگرش در بغداد اعلام کرد: «کسی حق ندارد پشت‌سر ایشان حرف بدی بزند». باید به بعضی آدم‌ها گفت شما هم لاقائل در حد صدام وجدان داشته باشید و پشت‌سر افرادی که فوت می‌کنند، سخن به بدی نرانید».

خبر

تأکید وزیر کشور بر انتخابات بی‌طرفانه

● **ایرنا:** عبدالرضا رحمانی‌فضلی وزیر کشور گفت: اصل برای وزارت کشور برگزاری انتخاباتی سالم، قانونمند، باشکوه و در کمال امنیت است که در دستور کار داریم. او در نخستین نشست مشترک مدیران کل حوزه و روابطعمومی استانداری‌ها و سازمان‌های تابعه وزارت کشور که در وزارت کشور برگزار شد، افزود: اصل کار وزارت کشور و همه دستگاه‌های دولتی در انتخابات رفتار بی‌طرفانه است و به این اصل پایبند هستیم. او گفت: انتخابات را امری مهم و مؤثر در سرنوشت کشور می‌دانیم و هنگامی که انتخابات در کمال سلامت و قانونی و بی‌طرفانه برگزار شود، هیچ مشکلی ایجاد نخواهد شد. رحمانی‌فضلی افزود: انتخابات خوب، نقش بسزایی در انسجام داخلی و تأثیر زیادی در منطقه و در سطح بین‌الملل خواهد داشت.